



اصلاحات فرهنگي

امير كبير در ايران ومحمد علي پاشا در مصر

اعداد

دكتورة/ ايمان محمد السعيد السيد جمال الدين



پیشگفتار

نظر به اینکه امیر کبیر در ایران و محمد علی پاشا در مصر هر دو دست به اصلاحات فرهنگی مهمی زده و کشورشان را از جهل و نادانی بسوی علم و دانش سوق داده اند و اقدامات بسیار مفیدی در این زمینه انجام داده اند بر آن شدم تا به بررسی علمی این دو مصلح بزرگپردازم .

این تحقیق مشتمل بر سه فصل و خاتمه تدوین شده است که ترتیب ذیل است:

فصل اول : امیر کبیر و اصلاحات وی در ایران

فصل دوم : محمد علی و اصلاحات وی در مصر

فصل سوم : محمد علی در مصر و امیر کبیر در ایران

خاتمه

امید است که در این تحقیق - هر چند کوچک - در این راه گامی بزرگ برداشته باشم.

واژه های کلیدی: اصلاحات فرهنگی، امیر کبیر، محمد علی پاشا



فصل اول

امير كبير واصلاحات وی در ايران

زندگی نامه : میرزا تقی خان از اهالی قریه "هزاوه" از قرای فراهان است ، در باره سال تولد وی اختلاف است ، بعض از تاریخ نویسان معتقد ند که تولد او سال 1222 ه ق است¹

ودیگران بر این عقیده اند که تولد میرزا تقی خان در حدود سال 1210:1215 ه ق اتفاق افتاده است² پی در وی "کربلای محمد قربان" در سلك خدمتکاران میرزا عیسی قائم مقام بزرگ در آمد، وبمقام آشپزی رسید، ودر زمان میرزا ابو القاسم قائم مقام دوم وصدر اعظم محمد شاه نظارت بر آشپز خانه را احراز کرد³

بنا بر این میرزا تقی خان در دستگاه میرزا ابو القاسم قائم مقام بزرگ شد . بر اثر استعداد فطری وشوق فوق العاده ای که وی داشت قائم مقام به او اجازه داد که با فرزنداناش تحصیل کند .

چندی نگذشت که بر اثر کوشش که در کسب دانش نشان می داد ، ترقی یافت ودر سلك منشیان رسمی استخدام شد، وبعدها به کار استیفاء مشغول شد وتا مقام "مستوفی نظام" رسید. ودر جوانی به سبب حسن سلوک وآشنائی کامل، که به آداب معاشرت با مأموران خارجی داشت ، توجه عباس میرزا ولی العهد را جلب کرد⁴.

¹ نگاه کنید ، فریدون آدمیت، امیر کبیر ، چ هشتم ، تهران 1278 ه ش ، ص 22، 23

² نگاه کنید، آشتیانی، عباس اقبال، میرزا تقی خان امیر کبیر، چ 2 ، تهران 1355 ، ص 4

³ علی اصغر شمیم ، ایران در دوره سلطنت قاجار ، چ 3 ، تهران ، 1371 ه ش ، ص 145

⁴ مکی ، حسین ، زندگانی میرزا تقی خان امیر کبیر ، چ 5 ، تهران 1360 ه ش ، ص 57

وهنگامی که خسرو میرزا فرزند عباس میرزا در شوال 1244 هـ ق برای معذرت خواهی از قتل گریبادوف بروسیه رفت، میرزا تقی خان نیز به همراهی وی اعزام شد. و بر اثر لیاقتی که او در این مأموریت نشان داد به مقام وزارت نظام آذربایجان منصوب شد، و ملقب ب "وزیر نظام" گردید.

و در سال 1248 هـ هنگامی که "عباس میرزا" ولی العهد و وزیر میرزا ابو القاسم قائم مقام به ولایتهای شرقی ایران رهسپار گردید و محمد خان زنگنه امیر نظام به نیابت قائم مقام گماشت، میرزا تقی خان فراهانی در خدمت امیر نظام زنگنه داخل گردید، و در دستگاه وی خدمات برجسته انجام داد، تا گام به گام مورد توجه مخصوص او قرار گرفت، و جایگاهش به حدی رسید که در کلیه امور کشور از جزئی و کلی باو مشورت می کرد.

در سال 1252 هـ به همراه محمد خان زنگنه "امیر نظام" و ناصر الدین میرزا ولی العهد به روسیه رفت و در آنجا مورد توجه امپراتور روسیه قرار گرفت.

بعدها در سال 1259 هـ که بین دو دولت ایران و عثمانی اختلاف ایجاد شده بود، میرزا تقی خان بعنوان نماینده دولت ایران به ارزنه روم رفت، و مدت چهار سال در این کشور باقی مانده تا سرانجام موضوع اختلافات دو دولت حل شد، و در سال 1263 هـ عهد نامه ارزنه روم امضا رسید¹

در سال 1264 هـ محمد شاه در تهران وفات یافت.²

¹ نگاه کنید، اربابی، بهداد، طلوع رستاخیز، دوران اصلاحات امیر کبیر، چ اول، تهران ص

² نگاه کنید، انقطاع، ناصر، امیر کبیر فرزند خلف ایران، تهران، 1350 ص 8



وناصر الدین میرزا از آذربایجان به تهران حرکت کرد، و وقتی که موکب شاه جدید به قریه "یافت آباد" واقع در غرب تهران رسید لقب و مقام امیر نظام را که سابقاً "محمد خان زنگنه" داشت بمیرزا تقی خان تفویض کرد. و چون در روز شب شنبه بیست و دوم ذی‌قعدة بتخت سلطنت نشست ، در همان شب مقام صدارت عظام و اتابک اعظم را به وی تفویض کرد.¹

امیر کبیر

وقتی که میرزا تقی خان بصدارت رسید امور کشور بطور کلی خراب بود. و خزانه دولت بر اثر عدم کفایتی حاجی میرزا آقاسی صدر اعظم محمد شاه تهی بود، اما امیر کبیر مصمم شد که خراب و فساد دولت را اصلاح کند، و برای تحقق این هدف برنامه اصلاحی ویژه ای را تنظیم و اجرا کرد.

بزرگترین هدف وی در دوران صدارتش این بود که از نفوذ روس و انگلیس بکاهد ، و همین سیاست و سایر اقدامات اصلاحی او باعث شد که مخالفان بر علیه وی توطئه کنند و شاه را وادار بعزل و تبعید وی به کاشان کنند که در پایان به صدور حکم قتل در روز جمعه هفدهم ربیع الاول 1268 هـ منجر شد، و در حمام باغ فین کاشان به نهایت رسید.²

¹ رافسنجانی، علی اکبر هاشمی، امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار چ 11، تهران 1373 هـ ش ص 43؛ نگاه کنید، ایمان محمد السعید جمال الدین، امیر کبیر و دوره فی نهضه ایران الحدیثة، مع ترجمة مختارات من کتاب امیر کبیر لرافسنجانی (کارشناسی ارشد، چاپ نشده)، ص 209.

² ژنرال سرپرسی سایکس ، تاریخ ایران، ترجمه: سید محمد تقی فخر داعی کیلانی ، ج 2، چ 5، تهران 1370 هـ ش ص 498.

و بدین ترتیب یکی از بزرگترین دوره اصلاحگری در تاریخ ایران به انجام رسید. و عمر امیر کبیر که در ظرف چند سال کوتاه توانسته بود خدمات برجسته ای بایران بکند به پایان رسید .

"میگویند که وقتی يك مسافر باغهای فریبنده و غرغه های زیبا فین را تماشا میکند دچار تأسف و حسرت شده و مخصوصا وقتی که فکر میکند اگر این وزیر مدت بیست سال در مقام خود باقی مانده بود میتواندست مردان شرافتمند و فاداری را تربیت کند که لیاقتی جانشینی او را داشته، تحسر و تأسف انسان زیاد تر میشود".

1. دار الفنون

دار الفنون از مهمترین اقدامات امیر کبیر بشمار می آید، و بدیهی است فکر ایجاد دار الفنون پس از مسافرت او به روسیه و ارزروم و دیدن مدارس نظامی و علمی صنعتی در وی بوجود آمد، می دانست که همه جوانان ایران تمام فنون جدید را که در ایران وجود ندارد، در این مدرسه یاد میگیرند چون در این نوع مدرسه که شعب زیاد و مختلف باهم ارتباط داشتند نام آنرا دار الفنون گذاشت¹.

قدیمترین دار الفنون جهان دار الفنون پاریس است بعد از آن دار الفنون استانبول که در سال 1263 هـ تأسیس شده است و احتمالا ایجاد دار الفنون در استانبول در امیر کبیرتأثیر گذاشت² و تصمیم گرفت اگر بمقام بلند تر برسد چنین دار الفنونی را تأسیس کند .

¹ رافسنجانی، علی اکبر هاشمی، امیر کبیر یاقهرمان مبارزه بااستعمار ص 106؛ نگاه کنید، ایمان محمد السعید جمال الدین، امیر کبیر ودوره في نهضة إيران الحديثة، منبع پیش، ص 113-120.

² آشتیانی، عباس اقبال، میرزا تقی خان اکبر کبیر ص 157



در ابتدای امر ناصر الدین شاه معتقد بود که اگر مانند این مدرسه ساخته شود ممکن است بامخالفت روحانیون متعصب روبرو شد وبامحصلین ومعلمین این مدرسه مخالفت کنند بنابر این اعتقاد داشت که اعزام محصلین به اورپا برای فراگرفتن علوم جدید وفنون بهتر از ایجاد این چنین مدرسه است¹.

اما امیر کبیر شاه را قانع کرد که بجای آنکه دولت ایران بیست محصل باورپا اعزام دارد میتواند بابودجه آن هفت معلم از اورپا استخدام کند ودر عوض ده نفر دویست نفر شاگرد را میتوان با آن هفت نفر معلم تربیت کند .

در نتیجه در اوائل سال 1266 هـ امیر کبیر سنگ بنای دار الفنون را گذاشت در زمین واقع در شمال شرقی ارك سلطنت که پیش از آن سربازخانه بود².

امیر کبیر به میرزا رضا خان مهندس که یکی از دانشجویانی بود که در زمان عباس میرزا برای تحصیل به انگلستان رفته بود فرمود که نقشه بنای مدرسه بکشد ومحمد تقی خان معمار باشی دولت را به ساختن آن مکلف نمود³.

بنای قسمت شرقی دار الفنون تا اواخر 1267 به انجام رسید، وبقیه آن تا اوائل سال 1269 هـ تمام شد. واین مدرسه شامل پنجاه اطاق منقش ومذهب وتالار تتاتر بود. ودر پشت ساختمان کارگاه شمع کافوری وآزمایشگاه فیزیک وشیمی ودواسازی وچاپخانه به علاوه کتابخانه وسفره خانه ساختند⁴.

¹ مکی، حسین، زندگانی میرزا تقی خان امیر کبیر ص 341

² یغمائی ، عباس اقبال ، دار الفنون ، تهران ص 46

³ عظامی، مسعود، امیر کبیر در آئینه انقلاب ، چ اول ، تهران 1377 هـ ش ص 28

⁴ آدمیت، فریدون، امیرکبیر وایران ص 355

با شروع ساختن ساختمان در سال 1266 هـ امیر کبیر "جان داود دروین" را که کارمند و مترجم وزارت امور خارجه بود برای استخدام شش معلم از اتریش و پروس فرستاد تا آن معلمان را برای مدت شش سال با حقوق سالیانه به مبلغ چهار هزار و چهار صد تومان و خرج آمدن و برگشتن استخدام کند، معلمان در زمینه ها مختلف و متنوع بودند عبارت بودند از معلم پیاده نظام ، معلم حکمت و جراحی و تشریح ، معلم سوار نظام ، معلم هندسه ، معلم علم معادن ، معلم توپخانه ، و پس از چندی امیر سه نفر دیگر را بر آن شش نفر افزوده یک نفر داروساز و دو معدنچی¹.

جان داود دروین به دربار امپراتور "فرانسو ژوزف" امپراتور اتریش رفت و امپراطور از جان داود استقبال گرمی نمود و طلب او را قبول کرد، جان داود با هر یک از معلمان قرار داد یکسان امضا کرد.

در 27 محرم 1268 هـ (یعنی دو روز پس از عزل امیر کبیر از صدارت) پنج معلم با جان داود خان به تهران وارد شدند بخاطر اینکه دو نفر قبل به ایران آمدند، و این دو نفر عبارت بودند از معلم پیاده نظام و معلم سوار نظام قبل از شش ماه از عزل امیر کبیر، یعنی هفت ماه پیش از افتتاح رسمی مدرسه دار الفنون رشته فنون نظامی در آن مدرسه گشایش یافت².

مدرسه دار الفنون سیزده روز پس از کشته شدن امیر کبیر، یعنی در پنجم ربیع الأول 1268 هـ افتتاح شد³.

¹ منبع پیش ص 357

² نوائی، عبد الحسین ، ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری ، ج اول ، ج دوم ،

تهران 1369 ص 504

³ حسن، پور ، یاد از سالگرد درگذشت امیر کبیر ، "امیر بیداری" ، مجله نمایه



ریاست آن بعهدہ میرزا محمد علی خان وزیر امور خارجه محول شد . بنا بر این، امیر کبیر مقدمات تأسیس و افتتاح دار الفنون فراهم ساخت و کلیه نوازم و حوایج آن مدرسہ را آمادہ ساخت، اما متأسفانہ پس از این ہمہ تلاش و کوششہای مداوم حاصل نتیجہ کارش را ندید . حتی داود خان کہ در "پروس" سرمای برد و امیر کبیر چندین نامہ برای او ارسال داشت تا ہر چہ زودتر با معلمین در افتتاح دار الفنون حاضر باشد، ولی متأسفانہ این کار عملی نشد چو کہ وی پس از قتل امیر کبیر بایران رسید¹.

امیر کبیر شخص باتجربہ و دنیا دیدہ و بسیار باہوش بود، و در استخدام معلمین از خارج نیز بسیار دقیق بود، و نمیخواست کہ از کشورہائی باشند کہ از ایران منافع سیاسی دارند بویژہ وی اصلاً نمیخواست کہ معلمین از دولتہای انگلیس و روسیہ باشند².

چون ہمیشہ میخواست از تسلط و نفوذ و مداخلات سیاسی و استعماری آنان بکاهد، و بعلت ہمین کوششہاست کہ می بینیم نام امیر کبیر ہمیشہ با دار الفنون ہمراہ و عجین است³.

2. روزنامہ وقایع اتفاقیہ:

یکی دیگر از اقدامات برجستہ امیر کبیر در زمینہ شنوون فرهنگی ایجاد روزنامہ بہ نام روزنامہ وقایع اتفاقیہ بود کہ این روزنامہ اولین روزنامہ نیست کہ

¹ نگاہ کنید ، سید علی آل داود ، اسناد نامہ های امیر کبیر ، چ اول ، تهران 1379 هـ ش ص 168-169

² آدمیت، فریدون، امیر کبیر و ایران ص 261

³ احمدی ، مہران امیر ، امیر کبیر و اصلاحات ، اطلاعات ، 6 آذر 1380 هـ ش ، ص 162

در ایران منتشر شده است زیرا که پیش از آن روزنامه ای دیگر به نام "کاغذ اخبار" به توسط میرزا صالح شیرازی¹ در تاریخ 25 محرم 1252 هـ منتشر شده بود.

وبعد از مدت چهارده سال تقریباً امیر کبیر روزنامه ای به نام وقایع اتفاقیه را در ایران تأسیس نمود، و شماره اول آن روزنامه در روز جمعه پنجم ربیع الثانی 1267 هـ در طهران منتشر شد، و در صفحه اول آن علامات "شیر و خورشید" و عبارت "یا اسد الله الغالب" رقم شد، و در طرفین آن صورت دو درخت کشیده و در وسط ورق "روزنامه چه اخبار دار الخلافه" نوشته شده بود.² امیر کبیر مدیریت روزنامه وقایع اتفاقیه را به "حاجی میرزا جبار" کنسول سابق ایران در بغداد سپرد، و مترجم آن شخص انگلیسی به نام ادوارد برجیس و نویسنده آن "عبد الله روزنامه نویس" بود.³

روزنامه وقایع اتفاقیه روزنامه هفتگی بود با چاپ سنگی به چاپ میرسید، و شیوه نوشتن آن خالی از تقلید و تکلف بود و هیچ وقت در این روزنامه نام والقباب و اصلاحات و اقدامات امیر کبیر نوشته شد و اگر در يك جا صحبت از اقدامات دولت بود مباشرین روزنامه همه را به نام امنای دولت ذکر میکردند.⁴

¹ میرزا صالح شیرازی یکی از شاگردانی است که در زمان عباس میرزا برای فراگیری علوم و فنون به انگلستان رفته بود و فن چاپ را آموخته و در ایران چاپ سنگی را تأسیس کرد، نگاه کنید؛ آشتیانی، عباس اقبال، میرزا تقی خان امیر کبیر ص 141-146

² محمد صدر هاشمی؛ تاریخ جرائد و مجلات ایران، اصفهان 1364 هـ ش، ص 330

³ نگاه کنید، عظامی، مسعود، امیر کبیر در آینه انقلاب، ص 56

⁴ آدمیت، فریدون، امیر کبیر و ایران، ص 374



موضوعات و مندراجات روزنامه درباره اخبار داخلی و خارجی ایران و مطالب

مربوط به آن در جهان بوده است، چون امیر کبیر می خواست مردم ایران با دنیای جدید و فرهنگهای دیگر کشورها آشنا شوند¹؛ لذا در طول مدت انتشار کمتر مقاله سیاسی و ادبی و تاریخی در آن دیده میشود².

در این روزنامه پس از ذکر اخبار ولایات، یکی دو صفحه روزنامه تحت عنوان (اخبار دول خارجه) مخصوص ذکر وقایع ممالک اروپا و امریکا بوده است³. اخبار دول خارجه روزنامه از روزنامه های خارجی ترجمه می شد و مترجم آن همان (برجیس صاحب) مباشر و مترجم روزنامه بوده است⁴.

¹ مکی، حسین؛ زندگانی میرزا تقی خان امیر کبیر ص 354

² محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ص 332

³ نگاه کنید؛ روزنامه وقایع اتفاقیه

⁴ محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ص 332

3. ترجمه و نشر کتاب:

از دیگر اقدامات و اصلاحات برجسته امیر کبیر در این زمینه ایجاد دستگاه مترجمان دولتی بود، که بوسیله آن حرکت ترجمه و نشر کتاب در ایران رونق یابد، که اینکار از زمان عباس میرزا و وزارت میرزا بزرگ قائم مقام شروع شد.¹ گروه مترجمان این دستگاه عبارت بودند از: اتباع فرنگی مستخدم دولت، ایرانیان مسیحی، شاگردان ایرانی که در فرنگ درس خوانده بودند یا در ایران زبانهای مختلف را آموخته بودند.²

در دوران صدارت امیر کبیر کتابهای خیلی زیادی از اروپا به ایران رسید، و در سال 1265 هـ تقریباً دویست و نود و سه جلد کتاب و سیصد و بیست و سه نقشه جغرافی عالم از فرانسه آوردند³، که این تعداد درین زمان نسبتاً تعداد زیادی بشمار می آمد.

هچنین امیر کبیر چاپخانه در قسمتی از مدرسه دار الفنون قرار داشت و کتابهای که هیئت مترجمان دولتی ترجمه یا تألیف میکردند در این چاپخانه بچاپ می رسید.

¹ نگاه کنید؛ پناهی سمنانی، احمد، امیر کبیر تجلی افتخارات ملی، چ "ا" نهران 1363 هـ ش،

ص 157

² آدمیت؛ فریدون، امیر کبیر و ایران ص 379

³ آدمیت، همان منبع، ص 380



محمد علی پاشا واصلاحات وی در مصر

محمد علی پاشا یگانه فرمانروای شرقی اسلامی است که در اوایل قرن نوزدهم میلادی به فکر استفاده از علوم و معارف غربی افتاده، و از بدو فرمانروای خویش ملت خود را به کسب صنایع و آداب و تمدن عالی اروپا و ادار ساخت، و چنانکه خود می‌گوید "اگر ده عمر دیگر داشتم همه را صرف آبادانی مصر می‌کردم"¹.

زمانی که محمد علی فرمانروای مصر شد، حال آنروز کشور مصر بویرانی می‌ماند، با اینکه گنجهای شایگان در آن پنهان باشد. وی که بوجود يك ارتش با تعلیمات جدید شدیداً احساس نیاز می‌کرد، به افتتاح و تکثیر مدارس همت گماشت، زیرا ارتش جدید و چیزهای دیگری چون طب و هندسه و امثال آن را نیز لازم داشت².

زندگی نامه: محمد علی پاشا در شبه جزیره بالکان جنوب مقدونیه در شهر قوله به سال 1769م متولد شد³، نام پدرش ابراهیم آقا رئیس امنیه آن شهر بود، محمد علی به مکتب نرفته و در آموزشگاه طبیعت پرورش یافت، ولی در کودکی از پدر یتیم شد، و پیش عمویش "طوسن" بود، اما او هم به زودی وفات یافت.

¹ الأیوبی، إلیاس، محمد علی سیرته و اعماله و آثاره، قاهره 1932م

² نگاه کنید، الفاخوری، حنا، تاریخ ادبیات زبان عربی ترجمه عبد الحمید آیتی، نهران، ص 65

³ محمد صبری، تاریخ مصر من محمد علی إلى العصر الحديث، القاهرة، 1417هـ 1996م،



پس از طوسن محمد علی به خانه حاکم قوله "اسمعیل بیک" منتقل شد،
 ودر آن خانه نشو ونمو یافت، وپیش از هرچیز به سلحشوری وکارزار علاقمند
 شد. ودر 18 سالگی به علت سرکوبی یاغیان در روستای "پراوستا" که بر علیه
 اسمعیل بیک شوریده ومالیات نمی پرداختند انگشت نمای خودی وپیگانه شده،
 ومقرب درگاه اسماعیل بیک شد¹.

از سوی دیگر مصر در سال 1801 میلادی پس از ترك فرانسویان از
 سه جانب تهدید می شد، که عبارت بودند از:

اول: ممالیک که برسم فتودالهای قرون وسطی هر دسته ای در نقطه ای گرد آمده
 وجان ومال اهالی را در خطر می انداختند.

دوم: سلاطین آل عثمان، که دوباره در صدد بسط نفوذ وتوسعه اقتدار خویش بر
 آمد وکشور مصر را کاملاً تحت الحمايه من خواستند.

سوم: دول استعمارگر فرنگ که برای تصرف هند وسایر اقطار آسیا وافریقا به
 تصرف مصر احتیاج داشتند².

اوضاع داخلی مصر نیز ناامن وظلم وپیداد ممالیک وپادشاهان عثمانی،
 فقر وجهالت وامراض وبلیات عمومی کشور مصر را به روز تباهی آورده بود.
 موقع تاخت وتاز فرانسویان در مصر سلطان عثمانی به لشکر کشی مشغول شده
 وفرمان تجهیز عمومی داد، منجمله اسمعیل بیک فرماندار قوله هم تهیه لشکر شده

¹ علی جواهر کلام، تاریخ مصر، خاندان محمد علی بزرگ، نهران 1320 هـ ش، ص 40

² محمد صبری، تاریخ مصر من محمد علی إلى العصر الحديث، ص 34-16



وعلي‌رغم بی میلی محمد علی، سرپرستی سپاهیان داوطلب قوله را که 300 نفر بودند به وی وپسر خود علی آقا سپرد¹.

محمد علی درماه مارس 1801 میلادی وارد مصر شد ودر زد وخوردهای اترک وفرانسه شرکت نمود، وطوری رشادت به خرج داد که "خسرو پاشا" والی عثمانی او را مقرب خویش نمود، ورتبه عالی بوی داد، ولی محمد علی توجه به عثمانیان نکرد چون فهمید که مصریان تشنه آزادی واستقلال هستند واز حکومت هر بیگانه بیزارند، ومی خواهند فرمانروای خود باشند، برای همین محمد علی به عثمانی وممالیک وفرنگیان پشت کرده ورو به ملت مصر نمود، وباهمراهی وپشتیبانی رجال نامی مصر به مقصود خود نائل آمد².

پس از کشته شدن "علی پاشا" ممالیک بر تمام مصر دست یافتند، وطولی نکشید که فرنگیها با عثمانیها وارد مذاکره شدند تا ممالیک در اقتدار خود باقی بمانند. مردم مصر که از ممالیک بستوه آمده بودند با دستیاری محمد علی بر ممالیک شوریدند، ومحمد علی از آغاز ورود به مصر آنی از توجه به اوضاع ملت غافل نشده. "خورشید پاشا" از سران عثمانی را بولایت مصرانتخاب کرد که ازاین انتخاب چندین منظور داشت: یکی اینکه دست ممالیک را که دشمن نیرومندی بودند، کوتاه کند، ودیگر آنکه بی طرفی خود را مدلل سازد ورضایت بابعالی را جلب نماید، واز طرفی عدم لیاقت پاشایان را به مصریان ثابت کند³.

پس از مدتی به علت تعدی خسرو پاشا به جان ومال مردم، اختلافاتی میان او ومحمد علی بوجود آمد تا اینکه محمد علی به پشتیبانی مردم مصر وارد قاهره

¹ نگاه کنید، علی جواهر کلام، تاریخ مصر، خاندان محمد علی بزرگ، ص 42

² همان، ص، 42-43

³ محمد صبری، تاریخ مصر من محمد علی إلى العصر الحديث، ص32 33

شد، و علمای مصر هم به عنوان اعتراض به خبر مبنی بر اینکه محمد علی به حکومت "جده" انتخاب شده جامع ازهر را بستند، و اهالی هم شورش نموده، و تعطیل عمومی اعلان شد، و بزرگان مصر اعلامیه ای شبیه اعلامیه حقوق بشر صادر نمودند، و مقرر داشتند که :

1- بدون اجازه موافقت اهالی مصر مالیاتی وضع نگردد

2- ارتش نا منظم منحل گردد

3- حمل اسلحه در شهرهای مصر ممنوع گردد¹.

و بالاخره در روز دو شنبه 13 ماه مه در سال 1805 میلادی بزرگان و علمای قاهره در "جمالیه" خانه قاضی القضاة مصر گرد آمدند و به اتفاق آرا محمد علی را فرمانروایی خود انتخاب کردند، و خلعت فرمانروایی مصر را با دست محبت بر قامت محمد علی پوشاندند، و او را فرماندار ملی خود را خواندند.

محمد علی پاشا در ابتدای حکومت خود دست به جنگ‌هایی زد که عبارت بودند از:

1- جنگ وهابیان (1811-1819م)

2- جنگ سودان (1830-1833م)

3- جنگ یونان (1831-1838م)

4- جنگ سوریه و آناتولی (1831-1840م)¹

¹ علی جواهر الکلام، تاریخ مصر، خاندان محمد علی بزرگ، ص 45-46



سپس محمد علی پاشا دست به اصلاحات داخلی در مصر زد مانند :

ارتش ، دانش و فرهنگ ، امور اقتصادی ، اصلاح امور اداری و مجلس شورای مصر ،

این همه اصلاحات و اقدامات محمد علی پاشا باعث شد که همه کشورهای اروپا بر او توطئه کردند، و در ضمن عهد نامه لنده 1841م او را وادار نمودند که حکم امپراطوری خود را ترك نمود.²

وپاشا تمام کوشش های خود را صرف اصلاحات داخلی کرد.

پاشا در سال دوم ماه اوت 1849م در شهر اسکندریه وفات یافت. ولی بنا بوضیعت وی جسدش را در جامع قلعه در قاهره بخاک سپرده³.

اصلاحات فرهنگی محمد علی

اگر بخواهیم "دار الفنون" امیرکبیر را با مدارس عالییه محمد علی پاشا مقایسه کنیم باید بگویم که محمد علی پاشا دانشکده و مدارس عالییه و مدارس تحصیلی را در اماکن مختلف مصر بنیان گذاشت، ولی امیر کبیر تمام علوم را در یک مدرسه احداث کرد، و بنا بر این بنده ترجیح دادیم که نام دار الفنون نیز بر مدارس و دانشکده محمد علی پاشا را می نامیم :

دار الفنون

¹ عبد الرحمن الرفاعی ، عصر محمد علی ، القاهرة 1983م ص 181:282

² جلال الدین الشاعر ، حقائق ومعالَم من التراث الحضاری ، القاهرة ، ص 17، 18

³ نگاه کنید ، علی جواهر کلام ، خاندان محمد علی بزرگ ، ص 76

محمد علی برای اصلاح کشور بخوبی می دانست که برای اینکار باید گروهی را از کشور به خارج فرستاده و معلمین از اروپا را بداخل کشور بیاورد، و مدارس را احداث و به آموزش و نشر فرهنگ سامان دهد.¹

بهین جهت ب فکر استخدام خارجیان افتاد که بتدریج مصریان جای آنها را بگیرند وی از نظام جدید اروپائی برای نشر علم و تأسیس مدارس جدید اقتباس نمود . وی نخست مدارس عالی تأسیس و گروهی برای آموزش به خارج فرستاده، سپس به تعلیم ابتدائی توجه نمود. چنانکه می بینیم در سال 1826م حدود 45 جوان از روستاها و غیره راباهزینه حکومت تحصیل به فرانسه گسیل داشت.²

اما قبل از آن اولین فکری که به خاطر محمد علی آمد تأسیس مدرسه عالی مهندس بود، چون بنظر وی برای عمران و آبادانی مصر نیاز به مهندسین و تعلیم مهندس بود ، جبرتی در رویدادهای 1816م(1231هـ) یاد آور می شود که اولین مدرسه مهندسی در مصر بهین سال تأسیس شد.

در باره ای آن می نویسد که شخصی بنام "حسین شلبی عجوه" دستگاهی جهت پاکسازی برنج اختراع و آن را به محمد علی عرضه نمود، و محمد علی ضمن تجلیل از وی دستور می دهد که چنین دستگاهی را ساخته و در دمیاط ورشید بکار اندازند و همین امر باعث می شود که فکر تأسیس مدرسه مهندسی در وی بوجود آمده و چنین مدرسه ای را در قلعه تأسیس می نماید.³

¹ محمد صبری، تایخ مصر من محمد علی إلى العصر الحديث ، ص 54

² هنری دودویل، محمد علی مؤسس مصر الحديثة، ترجمة: احمد محمد عبد الخالق بك وعلی احمد شكري، قاهرة ن ص 228

³ نگاه کنید ، عبد الرحمن الرفاعي ، عصر محمد علی ص 397:403



در این مدرسه بدانش آموزان دروس ریاضی وهندسه آموخته شد، ودانش آموزان علاوه بر خوراك وپوشاك شهريه ای نیز در یافت می دهند ، در این مدرسه از استادانی مانند حسن افندی ، درویش موصلی ، روح الدين افندی واز تعدادی از استادان اروپائی بهره می جستند، وبه گفته جبرتی این اولین مدرسه عالی مهندسی یا مهندسخانه در سال 1816 میلادی در قلعه تأسیس گردید¹.

اما دانشکده ها و آموزشگاههای که توسط محمد علی پاشا در مصر از سال 1816-1837 میلادی تأسیس گردید بشرح ذیل می باشند²:

- 1- دانشکده مهندسی عالی در قلعه : در مورد این مدرسه عالی فوق الذکر گفتیم
- 2- دانشکده پزشکی وجراحی ومامائی وضمیمه بیمارستان وباغ گیاه شناسی در قاهره (1837م)
- 3- دانشکده ای مهندسی عالی در بولاق (1834م)، شاید محمد علی این مدرسه را تأسیس کرد برای اینکه مدرسه قلعه عدد زیادی از مهندسان ایفا نکرد
- 4- دانشکده ای معدن شناسی در مصر قدیمه (1836م)
- 5- دانشکده ای هنر وپیشه(1839م)
- 6- دانشکده ای کشاورزی در شبرا(1826م)
- 7- دانشکده ای دام پزشکی : اول در رشید بود سپس به شبرا منتقل شد

¹ هند اسکندر عمون، تاریخ مصر، قاهره 1241 هجری ، 1933م ، ص399

² نگاه کنید ، عبد الرحمن الرافعی ، عصر محمد علی، ص403:397

8- دانشکده ای زبانهای خارجه : در ازبکيه (1836م)، این مدرسه به پیشنهاد رفاعه طهطاوی تأسیس گردید¹

9- دانشکده ای حسابداری: در سیده زینب (1837م)

دانشجویان این دانشکدها مرتبا ماهانه لباس و خوراک از پاشا در یافت می کردند و نسبت به آنان کمال مهربانی ابراز می شد تا سایرین هم به آنها تاسی نمایند².

محمد علی پاشا علاوه بر مدارس عالی فوق الذکر در سال 1827 میلادی حدود 40 مدرسه ابتدائی در وجه بحری و 26 مدرسه ابتدائی در وجه قبلی تأسیس نمود و 2 مدرسه مجهز نیز در قاهره واسکندریه تأسیس کرد³.

در سال 1837م وزارتخانه ای بنام (دیوان معارف) در مصر تأسیس گردید⁴ که برای تأسیس آن فارغ التحصیلان خارج از کشور کمک نمودند، ریاست آنرا نخست "مصطفی مختار بك" یکی از اولین فارغ التحصیلان اعزامی به خارج عهده دار شد، و پس از وی "ادهم بك" در سال 1839 م ریاست آنرا بعهده گرفت ، این وزارتخانه تصمیم به احداث مدارس ابتدائی مجانی گرفت که، رویهمرفته 50 مدرسه ابتدائی در نظر گرفته شد، که از این تعداد 4 مدرسه در قاهره بود، و قرار

¹ علی جواهر کلام ، تاریخ مصر خاندان محمد علی بزرگ ، ص 67

² منبع پیش ، ص 67،68

³ محمد صبری ، تاریخ مصر من محمد علی إلى العصر الحديث ، ص 56

⁴ علی جواهر کلام ، منبع پیش ، ص 67



بر آن گردید که تعداد دانش آموزان مدارس ابتدائی در قاهره واسکندریه هر کدام 200 دانش آموز، در مدارس اقالیم هر کدام صد دانش آموز باشد¹.

آموزش در مدارس مجانی بود وهزینه تحصیلی هم به آنها داده می شد، ومی گویند در زمان محمد علی پاشا در مصر حدود 9000 دانش آموز - با وجود آنکه مردم در آن دوره تعلیم را دوست نمی داشتند - وجود داشت².

مدارس ابتدائی (که معروف به مکتب بودند) از سال 1837م به بعد در مصر تأسیس گردید در قاهره ، اسکندریه ، بحیره ، غربیه ، شرقیه ، منوفیه . دقهلیه ، قلیوبیه ، جیزه ، فیوم ، بنی سويف ، منیا ، اسیوط، جرجا ، قنا³.

اعزام دانشجویان به خارج به توسط محمد علی پاشا در چندین مرحله صورت پذیرفته، که به ترتیب سنوات اعزام بدینگونه می توان به آنها اشاره نمود :

اعزام دانشجویان از سال 1813 میلادی وسالهای پس از آن صورت گرفته، واولین کشوری هم که آنها اعزام شده اند ایتالیا جهت آموزش فنون نظامی وساخت کشتی وآموزش مهندسی بوده است، واین اعزام ها بزرگ نبوده وبصورت گروههای کوچک صورت گرفته است ، اما اعزام های بزرگ به ترتیب ذیل باشند :

*اولین اعزام بزرگ در سال 1826 م بود، که تعداد آنها تا سال 1828 م به 44 نفر می رسد، که به فرانسه اعزام شدند تا در رشته های حقوق ، دریانوردی وفنون آن ، پزشکی وجراحی ، آبیاری ، ساخت اسلحه وتوپ وفنون جنگی ،

¹ عبد الرحمن الرفاعی ، عصر محمد علی ، ص 404

² هند اسکندر عمون ، تاریخ مصر ، ص 209

³ نگاه کنید ، عبد الرحمن الرفاعی ، منبع پیش ، ص 404-406

کشاورزی ، چاپ ، حفاری ، علوم سیاسی ، تاریخ طبیعی ، معادن و شیمی آموزش به بینند .

*دومین اعزام در سال 1828 میلادی با ارسال 24 نفر به فرانسه صورت پذیرفته، برای آموزش رشته های هندسه و ریاضیات ، علوم سیاسی ، پزشکی ، ترجمه ، اداره املاک .

*سومین اعزام در سال 1829 میلادی به فرانسه ، انگلستان ، اتریش. و طبق آمار تعداد آنها را حدود 73 دانشجو ذکر کردند که برای آموزش رشته های ذیل اعزام شده بودند: صنعت جواهر سازی ، نساجی پارچه های حریر ، نقاشی ، خیاطی ، کفش ، شمشیر سازی ، موم مهر ، موم عسل ، ابزار جراحی ، کشتی سازی در فرانسه ، جوخ سازی ، ابزار علوم فلکی ، میکانیک ، چینی در دو کشور دیگر .

*چهارمین اعزام در سال 1832 میلادی به فرانسه با 12 دانشجو صورت گرفته است .

*پنجمین اعزام در سال 1844 میلادی با ارسال هفتاد دانشجو به فرانسه انجام یافته است .

*ششمین اعزام در سال 1845 میلادی شامل اعزام 3 دانشجو به اتریش بوده است

*هفتمین اعزام در سال 1847 میلادی با ارسال 5 نفر از دانشجویان ازهر به فرانسه انجام گرفته است .

*هشتمین اعزام در سال 1847 میلادی بوده (یعنی همین سال اعزام پیش) که طی آن 21 نجار به انگلستان اعزام می شوند .

*نهمین اعزام نیز در سال 1847 میلادی انجام گرفته که طی آن 45 دانشجو به انگلستان و فرانسه اعزام می شوند¹

به طور کلی می توان گفت که یکی از اعمال برجسته " محمد علی پاشا " در مصر تلاش او برای احیای علوم و ادبیات در مصر بود، که این کار را با تأسیس مدارس و اعزام هیأت‌هایی از دانشجویان به اروپا بانجام رسانید .

2-روزنامه وقایع مصریه :

محمد علی پاشا در 25 جمادی الاولی در سال 1244 هـ (سوم دسامبر 1828 م) دستور به تأسیس روزنامه رسمی - وقایع مصریه - بدو زبان عربی و ترکی داد ، البته قبل از تأسیس این روزنامه ، روزنامه دیگری به نام "ژورنال خدیوی" در چاپخانه کوچکی در قلعه بچاپ میرسید که اختصاص به گزارش های وارده از اقلیمهای مصر داشت².

در سال 1257 هـ (1841م) محمد علی پاشا از دیوان معارف خواست که به بررسی موضوعات روزنامه وقایع مصریه بپردازند، بطوریکه اخبار این روزنامه منحصر به وقایع داخلی مصر نشد بلکه حوادث خارجی نیز در این روزنامه قید شود ، همچنین تصمیم گرفته که "رفاعه طهطاوی" به ترجمه روزنامه های خارجی

¹ نگاه کنید ، محمد صبری ، تاریخ مصر من محمد علی إلى العصر الحديث ، ص 54-56 ؛

عبد الرحمن الرافعی ، عصر محمد علی ، ص 407-422

² محمد فؤاد شکری ، بناء مصر ، قاهره 1948 م ، ص 125

و علاوه بر آن به ترجمه قطعات ادبی از کتابهای خارجی پرداخته و در این روزنامه بچاب رسانند¹.

و بدین ترتیب در 27 ذی القعدة سال 1257 هجری این مهم بعهدہ رفاعة الطهطاوی گذاشته شد تا اخبار مهم خارجی و قطعات ادبی ترجمه در روزنامه بچاب رساند، وی با فرهنگ فرانسوی و عربی آشنائی کامل داشت².

این روزنامه اولین روزنامه عربی است که در مصر چاب شده و در تاریخ معاصر مصر قبل از آن هیچ روزنامه ای به چاب نرسید است³.

بنابر این میتوان گفت مصر نخستین گاهواره روزنامه در بلاد عرب است⁴.

¹ محمد فؤاد شکرى ، بناء مصر، ص 125

² نگاه کنید ، جمال الدین الشیال ، تاریخ الترجمة والحركة فى عصر محمد علی ، القاهرة ، 1954 م ، ص 140. رفاعة طهطاوی (1801-1873) یکی از دانشجویان عصر محمد علی و رجال نامی مصر می باشد، که در سال 1826 م در جامع ازهر سمت اسنادی داشت و محمد علی پس از دیدن استعداد او وی را به پاریس روانه نمود ، طهطاوی پس از مراجعت بمصر کتب بسیار تألیف کرد ، دانشکده السنه خارجه به پیشنهاد وی و امر محمد علی تأسیس گشت ، طهطاوی پیشقدم آزادی زنان مصر بوده و کتابی در این باب تألیف کرده است بنام "المرشد الامین للبنات والبنین" وی پیشروی نثر جدید با نشر کتاب "تلخیص الابریز فی تخلص باریز" می باشد، وی قصه تلماک را از زبان فرانسه ترجمه کرده است و او و شاگردانش در مدرسه عالی زبان پیش از دو هزار کتاب به زبان عربی ترجمه نمودند ... نگاه کنید ، علی جواهر کلام ، تاریخ عصر خاندان محمد علی بزرگ ، ص 68 .

³ عبد الرحمن الرفاعی ، عصر محمد علی ، ص 486

⁴ حنا الفاجوری ، تاریخ ادبیات زبان عربی ، ص 652، 661

محمد علی پاشا عده ای از جوانان مصری برای فرا گرفتن فن چاپ به فرنگستان روانه کرد، و همینکه آنها باز گشتند نخستین چاپخانه مصر را به نام "المطبعة الاهلية" - معروف به مطبعه بولاق - را در سال 1821 میلادی تأسیس کرد.¹

این چاپخانه به شیوه فرانسوی تأسیس شد، و کتاب های مفید در آن به چاپ رسید که بیشتر از مؤلفات اروپائی در تاریخ و جغرافیا و علوم طبیعی و هنرهای جنگی و علوم سیاسی و پزشکی بود.²

و وقتی که دسته اول دانشجویان از فرنگستان آمدند در قلعه بحضور پاشا شرفیاب گشتند، و پاشا امر داد تمام آنان در قلعه بمانند، و هر يك كتابی در فن خویش ترجمه کند ، همین يك اقدام عالی میرساند که محمد علی پاشا شرفیاب گشتند و پاشا امر داد تمام آنان در قلعه بمانند و هر ، همین يك اقدام عالی میرساند که محمد علی پاشا نه تنها بمصر بلکه بعالم شرق اسلام خدمات شایانی کرده، و یکی از مؤثرترین عوامل انتقال تمدن و علوم غرب بشرق: محمد علی پاشا بوده است.³

و در این باره سلطان عبد العزيز خلیفه عثمانی در موقع زیارت قبرستان محمد علی پاشا در قاهره اظهار داشت " حقا که از يك مردان نامی روزگار بوده، وهستی و نامت همیشه جاودان خواهد ماند "⁴.

¹ حنا الفاخوری ، تاریخ ادبیات زبان عربی ، ص 651

² هند اسکندر عمون ، تاریخ مصر ، ص 209

³ علی جواهر کلام ، تاریخ مصر، خاندان محمد علی بزرگ ، ص 68

⁴ الیاس الایوبی ، تاریخ مصر فی عهد اسمعیل ، قاهره 1923 ص 45

فصل سوممحمد علی پاشا و امیر کبیر

برای آشنائی به اصلاحات فرهنگی در ایران و مصر لازم است با شخصیت و کارهای محمد علی پاشا و امیر کبیر آشنا شویم :

محمد علی پاشا (1221 هـ / 1805 م - 1265 هـ / 1849 م) :

محمد علی شخصی فروتن و از خانواده ای متواضع بود، او از يك سرباز ساده به حکومت رسید باینکه وی درس نخواند و بیسواد بود، ولی بزرگترین آموزش وی از طبیعت بوده است. وی در 45 سالگی به آموختن علم پرداخت.

زمانیکه محمد علی وارد مصر شد ملاحظه نمود که مردم از درد بزرگی در عذابند، وقتی به بررسی مشکلات مصریان پرداخت فهمید که آنان مشتاق آزاد استقلال وطن می باشند. بهمین منظور وی در تمام مراحل حکومت خود سعی نمود تا این آرزوی مصریان را بر آورده سازد، در ضمن، خود نیز علاقمند به رسیدن به حکومت مصر بود - ، که بالآخره به همراهی و پشتیبانی رجال نامی مصر به این مقصود نائل آمد.

وقتی محمد علی به سلطنت مصر رسید دست به اقدامات بسیاری جهت اصلاحات کشور مصر زد ، که از جمله این اصلاحات فرهنگی مدارس بسیاری زیادی تأسیس نمود، دانشجویان زیادی را به خارج فرستاد، تا در آنجا آموزش دیده و سپس به مصر باز گشته و به تعلیم دیگر مصریان بپردازند، او گروه ها و هیأت‌های آموزش زیادی را به خارج فرستاد حتی در یکسال چندین گروه چند نفر به خارج می فرستاد ، هزینه گزاف ارسال این هیأت‌های علمی به خارج موجب بهم خوردن بودجه کشور گردید، ولی مصر سود علمی بسیار زیادی از رفتن این دانشجویان به خارج به



دست آورد . وی علاوه بر احداث دانشکده بسیاری در مصر اقدام به ایجاد چاپخانه نمود که با این کار انتشار و چاپ و ترجمه و تألیف کتابها را در مصر رونق بخشید، همچنین وی اولین روزنامه دولتی را بنام روزنامه وقایع مصریه را در آن کشور انتشار داد.

بطور کلی میتوان گفت که محمد علی تمام عمر خود را صرف اصلاحات داخلی در مصر نمود .

امیر کبیر (1264هـ / 1848م - 1268هـ / 1852م)

شخصیت میرزا تقی خان امیر قبل از رسیدن به صدارت در خانه میرزا ابو القاسم قائم مقام نشأت گرفت، وی از این مرد بزرگوار نوشتن خط و مشق و ادبیات ، تاریخ ، و حساب آموخت و شخصی با علم و دانش شد. پس امیر کبیر وارد خدمت دیوان شد، در دستگاه عباس میرزا و وزیر او "میرزا ابو القاسم قائم مقام" با سیاست اصلاحات آشنا شد، وی طی سفرهایی که به روسیه و ارزنه روم نمود از مشاهده مدارس و کارخانه ها چیزهای بسیار آموخت .

رفتن امیر کبیر به ارزنه روم بعنوان نماینده دولت ایران برای وی بسیار مفید بود، زیرا در آنجا با تنظیمات دولت عثمانی آشنا شده، و از اصلاحات محمد علی پاشا در مصر با خبر شد .

وقتی که وی به مقام صدارت رسید دست به اصلاحات فرهنگی بسیاری در ایران زد، از جمله تأسیس دار الفنون و احداث روزنامه وقایع اتفاقیه بود.

وی که از اصلاحات محمد علی پاشا در مصر باخبر شده بود، برای رونق آموزش در ایران وی به اقداماتی زد، و در این مورد بر عکس محمد علی کار نمود؛ یعنی بجای آنکه با فرستادن دانشجویان به خارج از کشور خللی در بودجه کشور

بیاورد استنادی از خارج وارد نمود تا به آموزش دانشجویان ایرانی بپردازند، واینکار وی بر عکس کار محمد علی پاشا هزینه کمتری در برداشت.

باینکه مدت حکومت وی سه سال وچندی بود اما اصلاحات وی بقدری مفید بود که میتوان آنرا پایه و اساس علمی امروزه در ایران دانست .

خاتمه

برغم اینکه اقدامات امیر کبیر فقط طی سه سال وچندی به صورت گرفته با اقدامات چهل وچهار سال محمد علی در مصر کاملاً مشابه بوده، وبهمان اندازه مفید وکار ساز بوده است.

اما هر چند که این دو شخص بدنبال يك هدف بوده اند، ولی ملاحظه می شود که در نحوه اجرای اهداف خود هر کدام شیوه خاصی در پیش گرفته است، و هر دو آثار جاودان از خود بجا گذاشته اند که همیشه خاطره آنان را در نزد ایرانیان ومصریان زنده نگاه خواهد داشت .



فهرست منابع و مأخذ

اول: منابع و مأخذ فارسی

- 1- آدمیت ، فریدون ، امیرکبیر و ایران ، چ هشتم ، تهران 1378 ه . ش
- 2 - آشتیانی ، عباس اقبال ، میرزا تقی خان امیر کبیر ، چ 2 ، تهران 1355 ه ش
- 3- آل داود ، سید علی ، اسناد و نامه های امیر کبیر ، چ اول ، تهران
- 4- آربابی ، بهداد ، طلوع رستاخیز (دوران اصلاحات امیر کبیر) ، چ اول ، تهران 1379 ه ش
- 5- انقطاع ، ناصر ، امیر کبیر فرزندان خلف ایران ، تهران 1250 ه ش
- 6- پناهی سمنانی ، احمد ، امیر کبیر تجلی افتخارات ملی ، چ اول ، تهران 1262 ه ش
- 7- رافسنجانی ، علی اکبر هاشمی ، امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار ، چ 11 ، تهران 1273 ه ش
- 8- سایکس ، سرپرسی ، تاریخ ایران ، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی ، ج 2 ، چ 5 ، تهران 1370 ه ش
- 9- شمیم ، علی اصغر ، ایران در دوره سلطنت قاجار ، چ 3 ، تهران 1371 ه ش
- 10- علی جواهر کلام ، تاریخ مصر ، خاندان محمد علی بزرگ ، تهران 1330 ه ش
- 11- مدنی ، سید جلال الدین ، تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران ، جلد اول ، چ 2 ، تهران 1370 ه ش
- 12- مکی ، حسین ، زندگانی میرزا تقی خان امیر کبیر ، چ 5 ، تهران 1360 ه ش
- 13- نجمی ، ناصر ، امیر کبیر ابر مرد جاودانه ، چ اول ، تهران ، 1376 ه ش
- 14- نوائی ، عبد الحسین ، ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری ، ج دوم ، چ اول ، تهران 1369 ه ش
- 15- هاشمی ، محمد صدر ، تاریخ جرائد و مجلات ایران ، ج 4 ، اصفهان 1364 ه ش
- 16 - یغمائی ، عباس اقبال ، دار الفنون ، تهران

دوم : منابع و مأخذ عربی

- 1- ایمان محمد السعید جمال الدین ، امیر کبیر و دوره فی نهضة ایران الحديثة ، مع ترجمة مختارات من كتاب امیر کبیر لرافسنجانی کارناسی ارشد ، دانشکده ادبیات و انشگاه عین شمس ، چاپ نشده
- 2- الأیوبی ، الیاس ، تاریخ مصر فی عهد اسماعیل ، القاهرة 1923م
- 3- ----- ، محمد علی سیرته و أعماله و آثاره ، قاهره 1923م



- 4- اسکندر هند ، عمون ، تاريخ مصر ، دار المعارف ، القاهرة ، 1241 هـ 1923م
- 5- دودويل ، هنرى ، محمد على مؤسس مصر الحديثة ، ترجمه احمد محمد عبد الخالق بك وعلى أحمد شكرى ، مكتبة الآداب ، القاهرة
- 6- الرافعى ، عبد الرحمن ، عصر محمد على ، قاهره ، دار المعارف ، 1402 هـ 1982 م
- 7- الشاعر ، جلال الدين ، حقائق ومعالم من التراث الحضارى ، القاهرة
- 8- شكرى ، محمد فؤاد ، بناء مصر ، دار الفكر العربى ، القاهرة 1951 م
- 9- الشيال ، جمال الدين ، تاريخ الترجمة ، الحركة الثقافية فى عصر محمد على ، القاهرة ، دار الفكر العربى، 1951 م
- 10- صبرى ، محمد ، تاريخ مصر، من عهد محمد على إلى العصر الحديث ، مكتبة مدبولى ، القاهرة 1417 هـ 1996م
- 11- الفاخورى ، حنا ، تاريخ ادبيات زبان عربى، ترجمة عبد الحميد آيتى ، تهران ، انتشارات فردوسى

روزنامه

- 1- احمدى ، مهران امير ، امير كبير واصلاحات ، روزنامه اطلاعات ، 6 آذر 1380 هـ ش
- 2- روزنامه وقایع اتفاقيه

مجله

پورحسن ، ياد سالگرد در گذشت امير كبير ، "امير بيدارى " ، مجله نمايه